



«لطفاً روی دیوار چیزی ننویسید چشم خدا عمرت بدهد!»

«بر این سرزمین چیز نیست شایسته زیستن...»

«ربار خواستم بگویم دوست دارم» گفتیم: «حالت چطور است؟» و من خیلی «حالت چطور است؟»

سید بشیر حسینی از ادبیات خیابان و دیوارنوشته‌ها می‌گوید

الواح عشق و اعتراض

در دنیایی که رسانه‌ها شکل گذشته خود را از دست داده‌اند و روزبه‌روز نوع جدیدی از رسانه دنیا را به تسخیر خود درمی‌آورد، برخی افراد سراغ کهن‌ترین قرائت از رسانه رفته‌اند. شاید این یک نوع دهن‌کچی به رسانه‌های مدرن باشد، شاید هم ابداعی هوشمندانه و دلربا! هرچه هست به نظر می‌رسد آنها جداریات، ادب‌الشرار ع یا همان دیوارنویسی خودمان را هنوز یک رسانه می‌دانند.

بله، شما یک بیلپورد تبلیغاتی دارید که در مقایسه با بیلپوردهای اتوبانی مثلاً در قطع جیبی حساب می‌شود و البته مخاطب کمتری هم دارد و صدالبته می‌تواند به‌وسیله رسانه‌های دیگر برجسته شود.

مثلاً شما یک پیام دارید که دیوارنوشته سیاسی، اجتماعی یا عاشقانه است، یک بستر نشر دارید که دیوار است و البته مخاطبی که معمولاً از مقابل دیوار عبور می‌کند و شاید چشمش به پیام شما بیفتد، بعدها رسانه‌های دیگر به کمک می‌آیند و مثل ذره‌بین، این پیام استاتیک و ایستا را به یک پیام دینامیک تبدیل می‌کنند، انگار که دیوارنوشته شما در تمام دنیا بچرخد، بی‌آن‌که دیوار از جایش تکان بخورد.

برای بررسی این پدیده سراغ یک کارشناس شناخته‌شده در حوزه رسانه رفتیم. علاوه بر همه اینها سید بشیر حسینی، استاد دانشگاه و کارشناس رسانه این دیوارنوشته‌ها را بزرگ‌تر می‌بیند. او معتقد است جداریات اساساً پدیده توییتر و برخی شبکه‌های اجتماعی امروزی است اما خود جداریات را فرزندى از نوادگان غارنوشته‌ها می‌داند. طرح‌هایی که مثل یک کیپسول زمان، دنیای سالیان دور را برای ما به میراث آورده‌اند.

دیوارنوشته‌هایی که به آن فکر نکرده‌اید

پشت در توالت‌ها معمولاً هم عاشقانه هست، هم فحش و هم انتقاد، علاوه بر اینها ابزار برقراری ارتباط و هم خیلی چیزهای دیگه. ما نمونه پایان‌نامه‌هایی را داشتیم که آدم‌هایی از ملیت‌های دیگر آمده‌اند در کشوری دیگر و درخصوص توالت‌نوشته‌های کشور دیگر مطالعه کردند.

شاید تصور کنید این اتفاق صرفاً مختص ایران است، اما من در مورد پایان‌نامه‌های بین‌المللی صحبت می‌کنم که مثلاً یک فرانسوی به آمریکا رفته و توالت‌نوشته‌های آمریکایی‌ها را جمع‌آوری کرده و درخصوص آنها تحقیق کرده‌است. از این جهت مطالعه انواع و اقسام جداریات بسیار مهم است، هرچند الان سرریز جداریات در شبکه‌های اجتماعی به‌مراتب بیشتر و ساده‌تر دیده می‌شود و خیلی‌ها همان رفتار نوینم را در فضای مجازی دارند.

بدون نام، بدون هویت

علاوه بر تمام اینها دیوارنوشته‌ها اغلب یک خاصیت دیگر دارند که بسیار جذاب است و این روزها در شبکه‌های اجتماعی بیشتر از گذشته دیده می‌شود و آن هم اتفاق بی‌نام (noname) بودن است، اتفاقی که البته شاید به ریشه‌های انتقادی و خلاهای حتی تاریخی این ماجرا کمتر توجه می‌شود اما واقعیت جذاب این روزهای دنیای رسانه برای بعضی‌ها بدون نام گفتن هر چیزی از هرجایی است. البته این مساله در متون تخصصی و دقیق مورد اشاره قرار گرفته و در آنجا به توالت‌نوشته‌های مجازی معروف هستند. باید اشاره کرد که یک سنخ از جداریات همین نوشته‌های پشت در توالت‌هاست. در تمام دنیا هم سابقه داشته و دارد. توالت و به زبان شیک امروزی سرویس بهداشتی که فضایی برای تخلیه شدن از فضولات مادی است فضا و فراغت بی‌انسان می‌دهد که با هویت ناشناس ذهن خود را هم مثل جسمش تخلیه کند، اغلب هم به همین دلیل، اتفاقات بی‌نام و بی‌هویت در فضای مجازی با نوشته‌های پشت در دستشویی مقایسه می‌شوند.

سفره پهن جداریات

سفره گفت‌وگو و مباحثه در مورد جداریات، از انتقال پیام اولیه و ساده در زمان‌هایی که ابزار دیگری در دست نیست گرفته تا حوزه انتقاد، اعتراض و صدالبته عشق گسترده است و در هر خصوصی می‌توان ساعت‌ها بحث کرد. پس بررسی کامل این مساله به‌شدت به مقوله زمان، مکان و بستر برمی‌گردد. در بازه‌های زمانی مختلف در تاریخ، کارکرد جداریات کاملاً متفاوت است و قائل شدن یک کارکرد واحد و مبنا برای این پدیده کاملاً غلط است یا به عبارت بهتر حرف دقیقی نیست. جداریات خیلی مکان محور است، یعنی در مکان‌های متفاوت رویکرد این رسانه بسیار متفاوت است. همین تفاوت در موقعیت‌ها یا بسترها یا زمینه‌ها هم صادق است و گاهی اوقات جداریات حتی به سمت گرافیتی هم رفته است. گرافیتی‌ها گاهی کارکرد اعتراضی انتقادی داشتند، گاهی کارکرد عدم دسترسی داشتند و گاهی کارکرد هنری. حداقل این سه کارکرد را در نظر داشته باشید. گاهی به‌واسطه نبود امکانات و عدم دسترسی‌ها و محدودیت‌ها و معذوبت‌ها روی دیوارها پیام‌هایی نوشته شده، گاهی اوقات دیوارنویسی نشانه اعتراض بوده، برای انتقاد بوده یا مثلاً یک جنبش ضد جریان بوده و گاهی اوقات هم فقط یک اثر هنری بوده است. همه این مدل‌ها در طول تاریخ فضاهای خود و زمان‌های خود، موقعیت‌های بسیار متفاوتی را تجربه کرده‌اند. به‌عنوان مثال، جداریات در زمان جنگ‌ها معنای خیلی خاص‌تری پیدا کرده و بعضاً تلفیقی از سه‌گانه یادشده بوده، یعنی هم محدودیت دسترسی‌های زمان جنگ، هم اعتراض‌ها و هم ماندگاری‌ها و پیام‌های هنری. حتی در جنگ ایران و عراق هم نمونه‌های بیشتری نسبت به مواقع دیگر وجود دارد. البته این فقط یک وجه داستان دیوارنوشته‌هاست.

حتی پشت کامیون‌ها

وجهه دیگری از جداریات را در و وسایل نقلیه هم دیده‌ایم. همان یادداشت‌هایی که تحت عنوان ماشین‌نوشته عمدتاً روی ماشین‌های سنگین به کار می‌رفته که از نظر ماهیتی همان جداریات هستند. همه اینها در معنای عام و تعریف وسیع در عنوان کلی جداریات می‌گنجد. اما خوب اگر تعریف خودمان را محدود کنیم، شاخص‌های خاص‌تر در نظر بگیریم یا فقط به دیوارهای شهری بپردازیم هم وجه دیگری از جداریات را داریم. پس در طول تاریخ از زمان غارنشینان انسان‌ها که برای به یادگار گذاشتن، ماندگار کردن و حتی انتقال پیام از این فضا استفاده شده تا موقعیت‌هایی که نشان از کمبود امکانات یا اعتراض و انتقاد یا انتقال فرهنگ و هنر بوده این گستره وسیع را شامل می‌شود. در فرهنگ‌های مختلف، فارغ از آزادی بیان، احساس آزادی بیان نیز در این مورد بسیار اثرگذار است.

چرابی‌نام

پیشینه تاریخی اول این مساله در فرهنگ ایرانی است که همیشه از افشای هویتش در کنار آزادی بیان ترس داشته است. به تعبیر دیگر، حتی اگر آزادی بیان برای گوینده مساله نبوده، آزادی پس از بیان را از دست داده است. ما در طول تاریخ انسان‌های بسیاری را می‌بینیم که حتی در دوره مشروطه به دلیل بیان نظرها و دیدگاه‌ها تحت فشارهای مختلف قرار گرفتند، به‌طوری‌که حتی سرنوشت‌شان به اعدام یا ترور نیز منجر شده است.

نزدیک و نزدیک‌تر

دومین مساله فاصله تاریخی قدرت بوده که قشر عام جامعه همیشه خود را از طبقات بالای قدرت دور می‌دیده و برای بحث‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دسترسی به مشارکت نداشته است. بعضی از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی امروز یا جداریات سابق بیان اعتراض و انتقاد یا کاهش فاصله قدرت با مردم بوده است. به زبان ساده‌تر، وقتی زور من نمی‌رسد که طرف مقابل را از تخت به زیر بکشم یا انتقاد خود را مستقیم یا با مطرح کنم یا حتی مکالمه یا مکالمه دوسویه داشته باشم سعی می‌کردم از فضای یک‌سویه برای بزن‌دررویی، سنگی پرت بکنم، شیشه‌ای بشکنم و حداقل این استفاده را در فضای بی‌هویت و بی‌نام ببرم.

آزادی بیان روی دیوار

حقیقت این است که انسان‌ها با آزادی و امنیت زندگی نمی‌کنند، آنها با احساس آزادی و امنیت زندگی می‌کنند! رسانه‌ها هم امنیت را معمولاً خیلی بالا یا پایین نمی‌برند، اما بر احساس امنیت اثرگذار هستند. در عملیات روانی هم معمولاً تلاش برای کاهش احساسات آزادی است و در فنون اقناع مثبت، این تلاش برای افزایش احساس آزادی صورت می‌گیرد.

حتی در سنین و صنف‌ها و محله‌های مختلف هم متفاوت است. امروزه اغلب جوان‌ها و نوجوان‌ها احساس آزادی کمتر و متفاوتی نسبت به بزرگسالان دارند. بزرگسالان، جاقفاده‌ترها و افرادی که حتی از امکانات بیشتر برخوردار هستند شاید احساس آزادی بیشتری می‌کنند، کمتر احساس غلاً یا عقده داشته باشند. احتمالاً لازم به توضیح نیست که عقده در اینجا به معنای توهین نیست، بلکه در مقام گره‌گلوگیر مطرح می‌شود.

این‌که اگر می‌بینید فضای فرهنگی و فضای شبکه‌های اجتماعی به سمت انتقادهای و بعضاً توهین‌های خیلی رک‌یک در حال حرکت است، ریشه تاریخی معناداری دارد که شاید به زیست‌قرن‌های ایران برگردد.

ما برای نخستین بار تجربه رسانه‌هایی را می‌کنیم که اولاً چه در انتشار و چه در دیده‌شدن پابلیک یا عمومی هستند. ثانیاً بدون نام هم می‌توان وارد شد و برای بسیاری هویت نقش‌چندانی ایفا نمی‌کند.

لایه‌هایی که باید جست‌وجو کرد

با تمام این اوصاف و اتفاقات است که می‌خواهم ادعا کنم جداریات لایه‌های عمیق‌تری دارد. وقتی جداریات به ادبیات و طنز پیوند بخورد که در فرهنگ ما هرکدام پیشینه اعجاب‌آوری دارند باز لایه‌های جدیدی پیدا می‌کند.

به همین دلیل است که من مساله را دارای وجوه متعدد و متنوع می‌بینم و نمونه‌های بازتولیدشده جدید آن را در فضاهای مختلف بسیار معنادار ارزیابی می‌کنم و این‌قدر این مساله با دیگر فضاهای اظهار نظر عمومی متفاوت است که خارج از تصور ماست. بارها عرض کرده‌ام لایک که در اینستاگرام یا دو بار انگشت‌کوبیدن یا لمس یک قلب است معانی متعددی در صنف‌ها و طیف‌های مختلف دارد و الزاماً معنای آن پسندیدن نیست. گاهی اوقات معنای سرزدن، گاهی اوقات معنای بده‌بستان، گاهی اوقات معنای تحویل‌گرفتن و هزاران معنی دیگر دارد. در غیر این صورت وقتی کسی یک پیام جانسوز منتشر می‌کند که مثلاً پدرم فوت شد، کسی که لایک می‌کند به معنای خوش‌آمدن که نیست، به معنای حتی گاهی اوقات عرض تسلیت و تعزیت برای لایک‌کننده و لایک‌شونده معنی می‌شود.

در این فضا باید عرض شود که جداریات انواع و اقسام مختلف دارد و بازتولید می‌شود و الی‌الابد هم همین خواهد بود. خود این پنهان‌شدن پشت هویت و یک پیام ماندگار منتقل کردن آن قدر انگیزه جدی‌ای هست که از توالت‌نوشته‌ها گرفته تا موقعیت‌های مختلف بتوان آن را گسترش داد.



ترجمه بخشی از دیوارنوشته: اموال غارت‌شده را برگردانیم